

یکصد خاندان حکومتگر ایران

خاندان آشتیانی

۲

میرزای آشتیانی سوارالاعش میشود که از شهر بیرون رود عامه خبر شدند جلوی میرزا را باذکر یا قریب القریا می‌رود سرور ما مانع مسافرت او گشتند (۱) بانوجه به نفوس تهران طبق نوشته محققان آنروز چهل هزار نفر دورخانه آشتیانی گردمی‌آیند (۱) عده‌ای زن و مرد باکفن بسمت ارک شاهی راه افتادند شعار میدادند (شاه باجی سیلو ای لچک بسر ای لامذهب ما ترانمیخواهیم) خواستند داخل ارک شوند آقا بالاخان معین نظام سردار افخم بعدی که در رشت ترور شد (نیای خاندان خسروپناه) جلو آنانرا گرفت و فرمان شلیک به فوج بی پدران داد، هفت تن کشته و بیست تن زخمی شدند عده‌ای نیز دستگیر گردیدند که میرزارضای کرمانی که بعداً "ناصرالدینشاه راکشت جزو آنان بود.

لغو امتیاز

تهران در اندک مدتی بصورت یک میدان نبرد در می‌آید و طرف قوای خود را برای مبارزه شدید تجهیز میکنند منبر و تخت ، عمامه و تاج رو یاروی هم قرار میگیرند ، استعمار برای شکست مردم و جانبداری شاه ولف را از سفارت برمیدارد و بجای اولاسلس LASCELLES رامیفرستد (۳) دامنه اعتراضات مردم بشهرستانها کشیده شد . همه جایهم خورد مردم شهرها بتگان و کوشش ارزنده‌ای پرداختند (در شیراز سید علی اکبر مجتهد تبعید ... چند نفر تلف شدند قوام الملک مردم را در شاه چراغ به تیر بست) در تبریز اعلان کمپانی را از درودیوار پاره کردند شهر بهم خورد امیر نظام گروسی والی احضار شد شاه از

۱- تاریخ اداری و اجتماعی قاجار

۱ - Persia And The Defense of India - p.183

دولت روس اعاده امنیت تبریز را خواست روسها که از کارشاه رنجیده خاطر بودند گفتند (بهتر است شاه علاقه حرکت کند) (۱)

(در تهران حاج محمد کاظم ملک التجار با عنوان مذاکره با کامران میرزا نایب السطنه بعمارت خورشید فرا میخوانند ولی ناگهان کالسکه‌ای را که قبلاً حاضر نموده بودند جلو آورده او را سوار کرده بقزوین تبعید میکنند. (۲)

ناصرالدینشاه در مقابل این آشوب عمومی ناگزیر گردید با کمپانی گفتگو کند در ۷ دی ۱۳۰۹ با پذیرفتن پنجاه هزار لیره تاوان امتیاز را بهم زند چهل نفر از عمال کمپانی که خوان بنمای خود را در پهن دست ایران گسترده بودند بساط خود را برچیده راه دیارستان را پیش گرفتند مردم ناشادی و پایکوبی بعد از دو ماه بغلیان کشیدن پرداختند برای اولین بار نیروی مردم ضربه کاری به بیکر استعمار فرود آورد.

مورخان معتقدند در اقدام آیه‌اله آشتیانی دو عامل داخلی و خارجی ناهنجار زیاده داشته است یکی وجود منافع بازرگانان و سرمایه داران ایرانی بود که در رأس آنان ملک التجار (جد خاندان ملک) و اسن الضرب (نایب خاندان مهدوی) قرار داشت بهمین جهت ابتدا اینان با نفاق میرزا علی خان امین الدوله بخدمت شاه رفتند و زیانهای این امتیاز را بازگو و اظهار مخالفت کردند (۳)

امین الدوله که بجهت گرایش انگلیسی با اصل این تظاهرات مخالف بوده مینویسد (میرزا حسن آشتیانی که خود و اولادش و حوزه‌اش جز منافع غیر مشروع در ریاست طلبی مقصدی ندارند عماغتی از جهال را دور خود جمع کرده‌اند) در مورد تمایلات آیه‌اله بیروسیها اضافه میکند (میرزا حسن آشتیانی با کمال وقاحت عامل موظف آنها بود در مسئله رژی تنباکو امتحان خدمات خود را بدولت روس داده بود آماده جنگ و غوغا شد و شیخ الاسلام که بیچاره محرم او با روسها بود از سفارت تزاری دستور میگرفت و او امر سفارت را به میرزا ابلاغ میکرد (۴)

مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان نیز مجلس ضیافت وزیر مختار روس و نطق او را در حضور نمایندگان خارجه دلیل این همکاری میدانند نازه اگر هم چنین باشد برای آدم ضعیف برای شکست یک قوای متجاوز و مزاحم چنین توسل نه تنها عیب است بلکه امتیاز نیست که بکمک

۱- سه سال در دربار ایران ۵۶

۲- تحریم تنباکو ۱۰۵۰۰۰

۳- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ۴ صفحه ۱۱۸۶

۴- خاطرات سیاسی امین الدوله ۲۵۲ - ۲۲۸

عقل واحساسات میهنی خود وسیله ایست مشروع محمد حسن اعتماد السلطنه آشتیانی را (مرد بسیار بزرگ محیل عالم) معرفی کرد (۱)

زهر خوراندن

آیه‌اله آشتیانی بعد از این پیروزی بعنوان رکن اعظم قدرت ملی در ایران شناخته شد بطوریکه در یادداشت علامه قزوینی دیدیم در روز ۲۸ جمادی الاول ۱۳۱۹ تقریباً " در هفتاد سالگی بدروید زندگی گفت . ولی افراد این خاندان معتقدند او را بخاطر اولین اقدام و ضربه عمیقی که بر پیکر استعمار وارد ساخت با دست عمال داخلی که از این واقعه دل پر خونی داشتند بوسیله یکی از ماء موربین در لباس مبدل وبا (تاتوله) مسموم کردند دانش آیه‌الله مورد تصدیق و قبول مقامات مذهبی و دینی بوده است (اعیان الشیعه) برای او ۲۴ فقره آثار فکری و دینی می شمارد از آثار ارزنده آن کتابهای ((قضاء و بحرالغوائد)) است .

آیه‌اله غروی آشتیانی ، شیخ مرتضی

آیه‌اله شیخ مرتضی آشتیانی فرزند آیه‌اله میرزا حسن آشتیانی که سال ۱۲۸۱ ق . (۲۱۸۶) پا بجهان میگذارد ، همراه پدر در مبارزه علیه امتیاز رژی شرکت می جوید . وی از برجستگان و منتقدان عصر خود و از سران و روحانیون طراز اول و مراجع تقلید بشمار میرفت که گویا تولد او همزمان با درگذشت شیخ مرتضی انصاری ، استاد آیه‌اله آشتیانی می بود از اینرو آیه‌اله نام شیخ را روی پسرش میگذارد (۲)

شیخ مرتضی آشتیانی بعد از پدر جانشین وی می شود ، موقعیت سیاسی و تسولیت موقوفه مسجد مروی را احراز می کند . در موضوع ویران کردن سرای بانک از گردانندگان اصلی این انقلاب می بود در شب ۲۶ رمضان روزیکه واقعه روی میدهد (وی در مسجد خازن الملک خود بمنبر رفت داستان کاویدن گورستان و ساختن سرای را بمیان آورد گله و ناله بسیار کرد (۳) و همچنین در موضوع مخالفت بانوز رئیس بلژیکی گمرکات پیش آمد مسجد شاه و توطئه امام جمعه علیه مشروطه طلبان وی بهواداری از طباطبائی و مردم کوششهایی میکند همگام و همراه علما بشاه عبدالعظیم میرود قدم در راه تحصیل مشروطیت ایران می گذارد ، بر اثر اینعمل تولیت مدرسه خازن الملک و مدرسه خان مروی از دستش خارج می شود عین الدوله موقوفات سپرده شده به او را به آخوندهای استبداد طلب میدهد . از اینرو می بینیم وقتی روحانیون در این مبارزه قطعنامه ای برای کوششهای ملت علیه

۱- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه صفحه ۱۰۵۹ .

۲- تاریخ علمای خراسان ۲۶۴ .

۳- تاریخ مشروطه کسروی جلد ۱ صفحه ۵۶ .

دستگاه حاکم صادر میکنند ماده سوم قطعنامه بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به شیخ مرتضی میباشد (۱) دستگاه استبداد تسلیم قطعنامه می شود شیخ مرتضی همراه سایر علما با شوکت و حشمت وارد تهران و موقوفات نیز با او باز گردانده می شود.

وقتی مشروطیت ایران بمراحل دشوارتر و پر خطر میرسد وی از مشروطه طلبان جدا می شود به گروه شیخ فضل اله نوری و امیر بهادر و سعدالدوله می پیوندد. نا گفته نماند شاید ترور برادرش روحیه اش را تضعیف و او را از آزادیخواهان جدا می سازد.

در جریان بازگشت محمد علی شاه به تهران و نمایش مسخره مستبدان در مشهد که منجر به دخالت نظامیان روسی و توپ بستن گنبد امام رضا (ع) می شود شیخ مرتضی آشتیانی با صدور فتوا و وسایل این دخالت را فراهم می کند.

در این واقعه بظاهر تزار به گنبد حضرت رضا (ع) توپ بست ولی با مدارک استواریکه در دست است نقشه اصلی کار در دست انگلیسیها بود تا بدینوسیله روسیان را بدنام کنند نفرت مسلمانان را علیه آنان برانگیزانند برای آگاهی بیشتر به (جلد دوم الیگاری یا خاندانهای حکومتگر ایران) مراجعه شود (۲) حال نقش آشتیانی در این میان چه بوده است الله اعلم!!
ادامه دارد

۱- تاریخ مشروطه کسروی جلد ۱ و صفحه ۶۷

۲- الیگاری یا خاندانهای حکومتگر ایران جلد ۲ صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۴۷

شخص خاص خود اوست ، پس آن شخص برای انجام آن افعال - در حد مرتبه وجودی و قرب و بعدش از مبداء - تواناست ، اثر اختیار خداوند در صدور افعال که ذاتی و علمی و عنایی است در انسان باندازه تفاوت وجودش از غیر ، آشکار می باشد ولی اختیار در انسان مانند وجودش از ناحیه خود ذاتی نیست ، بلکه عرضی و معلل بالغیر است ، اما در حدود وجودش میتواند ایجاد افعال کند و نسبت افعال باو غیر ذاتی میباشد ، و معنی امر بین دو امر چیزی جز این نیست ، و در موقع قیام از سجده که می گوئیم : ((بحول الله و قوته قوم و ائمه)) قیام و قعود را بحول و قوت خداوند منسوب کردیم ، تا در قبال ذات احدایت مطلقه دعوی استقلال در افعال و اعمال خود نکرده باشیم ، و نیز جانب مخلوقیت را که مستلزم انجام اوامر و ترک معاصی و منکرات است ، فرو نگذاریم ، و بدین مناسبت نخست مبادی مقومه افعال را از حیث وجوبی بخالق نسبت دادیم و قیام و قعود بالمباشره را که فاعل آن خود می باشیم ، بطور ثانی بیان کرده و بخود منسوب میداریم .

در این مثال هم برای انسان میان جبر و اختیار ، شق ثالثی است که هیچیک از بندو بطور در بست و قاطع نمیباشد ، زیرا وجود افعال متکلم وحده در دو مورد - اقوم و ائمه - ناظر بحدوث فعل قیام و قعود از ناحیه انسان است که بخاطر همین موضوع مستوجب ثواب می باشد ، و فعل قیام و قعود در اختیار انسان می باشد ، اما فعل اختیار انجام فعل قیام و قعود ، بحول و قوت خداوند است که تا فعل قیام و قعود را بمرتبه ایجاب وجودی نرساند ، هرگز این افعال در حیطه ایجاد ظاهری نشوند و بوقوع نیبوندند . (ادامه دارد)